



تحولات اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
به همراه چشمانداز آینده

فروردین ۱۴۰۲

مریم خزاعی

معاونت بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



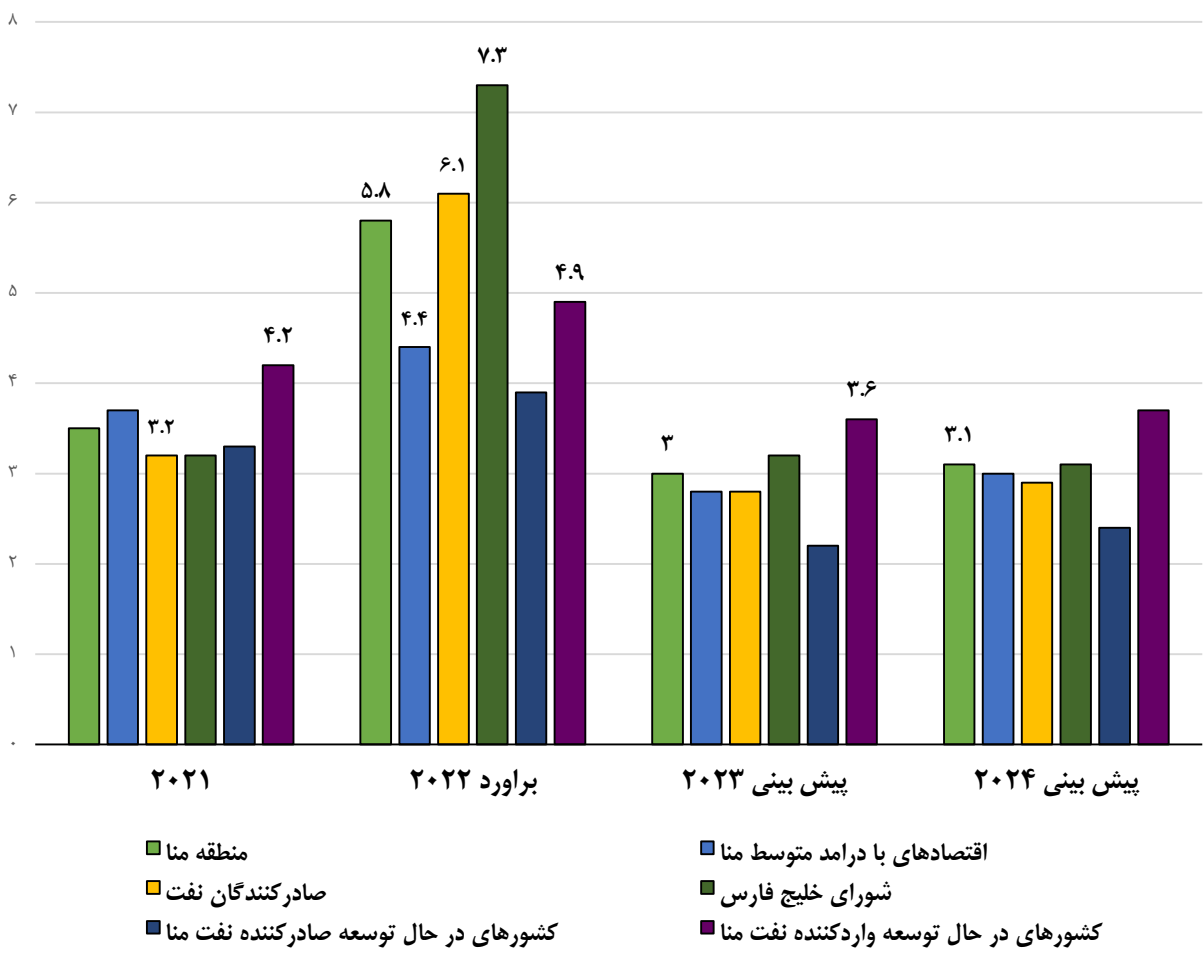


- اخیرا گزارشات گوناگونی توسط بانک جهانی در رابطه با وضعیت اقتصاد منطقه خاورمیانه و افریقای شمالی (منطقه منا) با محوریت بررسی تحولات رشد و چشم‌انداز آن برای کل منطقه و به تفکیک هریک از اقتصادها و همچنین وضعیت تورم در منطقه مزبور، منتشر شده است.
- این گزارش با استفاده از داده‌های بانک جهانی به بررسی و تحلیل وضعیت رشد اقتصادی، سرانه تولید ناخالص داخلی، تورم، حساب جاری و انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای منطقه پرداخته و ضمن اشاره به برنامه‌ها و اقدامات برخی از اقتصادهای منتخب در حوزه انجام اصلاحات ساختاری، پیشنهادات خاص کشوری را نیز ارائه کرده است. یکی از موضوعات مهمی که در توصیه‌های بانک جهانی به دولت‌های منطقه منا مورد تاکید قرار گرفته، ضرورت انجام اصلاحات ساختاری با تاکید بر تحریک رشد به رهبری بخش خصوصی و تنوع‌بخشی به اقتصاد است.



رشد اقتصادی منطقه

رشد اقتصادی منطقه منا ۲۰۲۱ الی ۲۰۲۳ - درصد



- تحولات گوناگون سیاسی و اقتصادی از جمله تهاجم روسیه به اوکراین، افزایش تورم، اختلالات زنجیره تامین جهانی و تنش‌های سیاسی در سال ۲۰۲۲ اتفاق افتاد که منجر به رشد اقتصاد جهان نسبت به سال ۲۰۲۱ شد. با وجود اتفاقات مزبور، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با بهره‌گیری از درآمدهای بادآورده نفتی و انجام برخی اصلاحات موفق شد تا رشد ۵.۸ درصدی را کسب کند و در این میان اقتصادهای عضو شورای خلیج فارس بیشترین بهره‌برداری را با تحقق رشد ۷.۳ درصدی کسب کردند.

- اقتصادهای در حال توسعه واردکننده نفت منطقه منا نیز متوسط رشد ۴.۹ درصدی را در سال ۲۰۲۲ داشتند که عمدتاً به دلیل رشد بالاتر کشورهای مصر، غزه و نوار غربی و جیبوتی بود.

- مقایسه روند رشد اقتصادهای در حال توسعه واردکننده و صادرکننده نفت منطقه طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در دورانی که جهش قیمت انرژی اتفاق نمی‌افتد، رشد اقتصادهای واردکننده نفت بالاتر از صادرکنندگان نفت است و به عبارتی دیگر هر زمان که شاهد رشد بالاتر اقتصادهای صادرکننده نفت منطقه منا هستیم عامل و محرک اصلی همان افزایش بهای سوخت‌های فسیلی است.

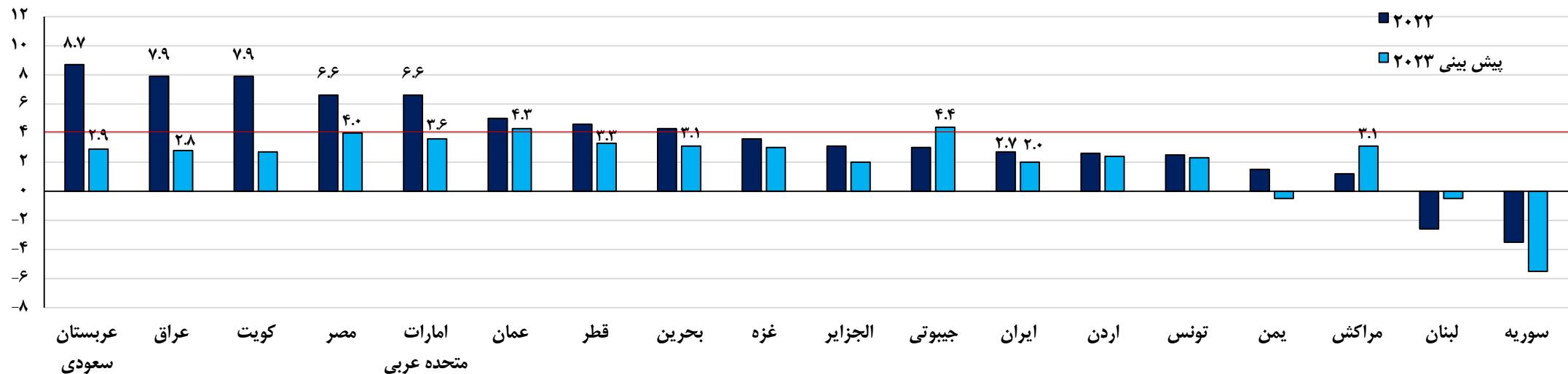
- پیش‌بینی می‌شود که از رشد منطقه منا طی دو سال آینده کاسته و به حدود ۳ درصد در سال ۲۰۲۳ و ۳.۱ درصد در سال ۲۰۲۴ برسد.



رشد اقتصادهای منطقه

- بیشترین رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۲ در میان اقتصادهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا متعلق به کشور عربستان سعودی با نرخ ۸.۷ درصد است که پس از آن به ترتیب کشورهای عراق و کویت هر یک با نرخ رشد ۷.۹ درصد و کشورهای مصر و امارات متحده عربی هر یک با نرخ رشد ۶.۶ درصد قرار می‌گیرند.
- با توجه به انتظار کاهش سرعت رشد اقتصاد جهان، پیش‌بینی می‌شود مشابه این اتفاق برای کشورهای منطقه منا نیز روی دهد. فقط دو اقتصاد عمان و جیبوتی رشد ۴ درصد و یا بالاتر را در سال ۲۰۲۳ خواهند داشت و در سال مزبور از رشد اکثر اقتصادها (باستثنای جیبوتی، مراکش و لبنان) کاسته خواهد شد.
- رشد ایران برای سال ۱۴۰۱ حدود ۲.۷ درصد برآورد و برای سال ۱۴۰۲ با افت ۰.۷ واحد درصدی برابر با ۲ درصد پیش‌بینی شده که نشان از استمرار رشد کمتر از متوسط رشد بلندمدت ایران طی سالهای اخیر و سال جاری دارد.

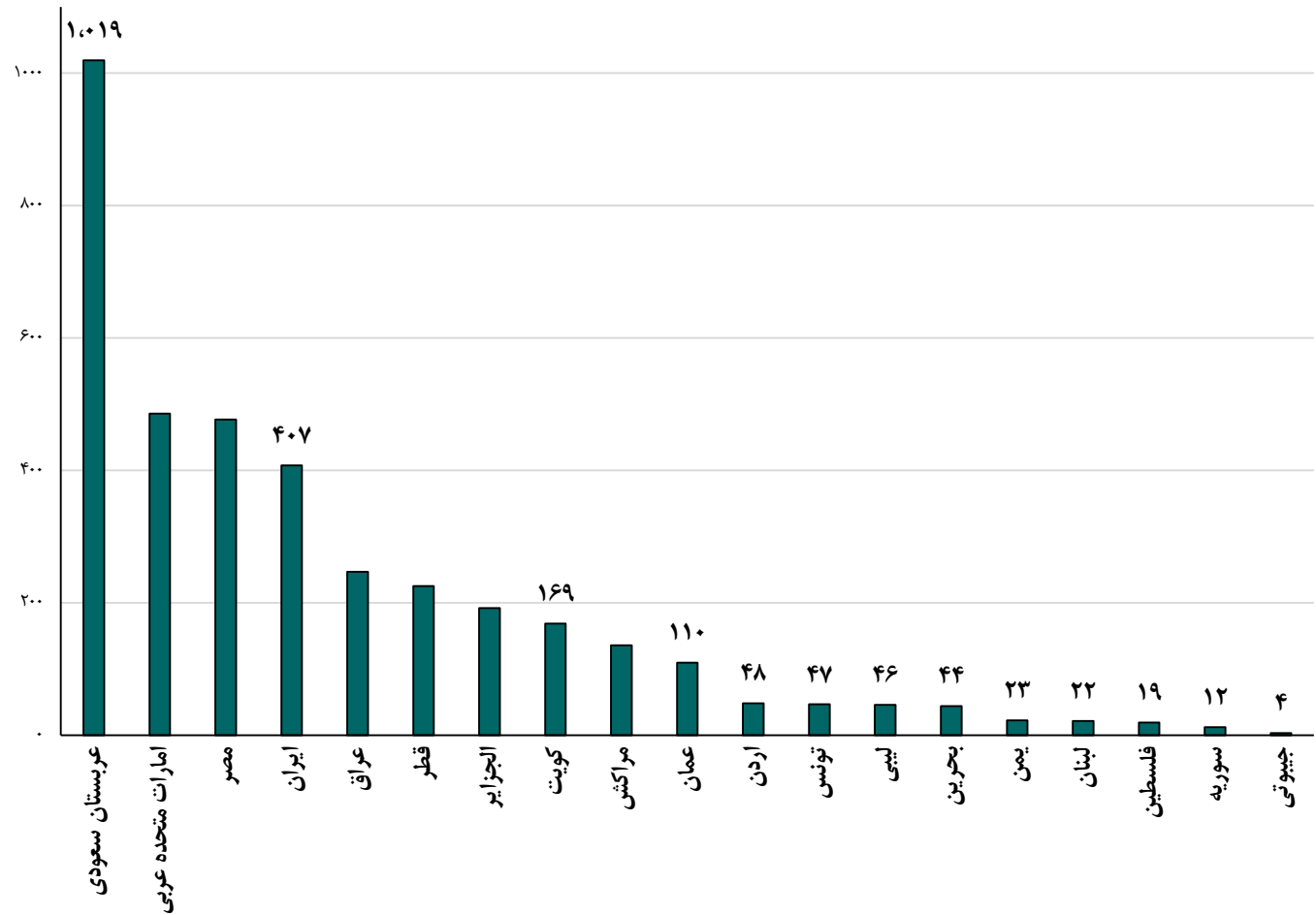
رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی ۲۰۲۳ - درصد





اندازه اقتصادها

تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۲ - میلیارد دلار



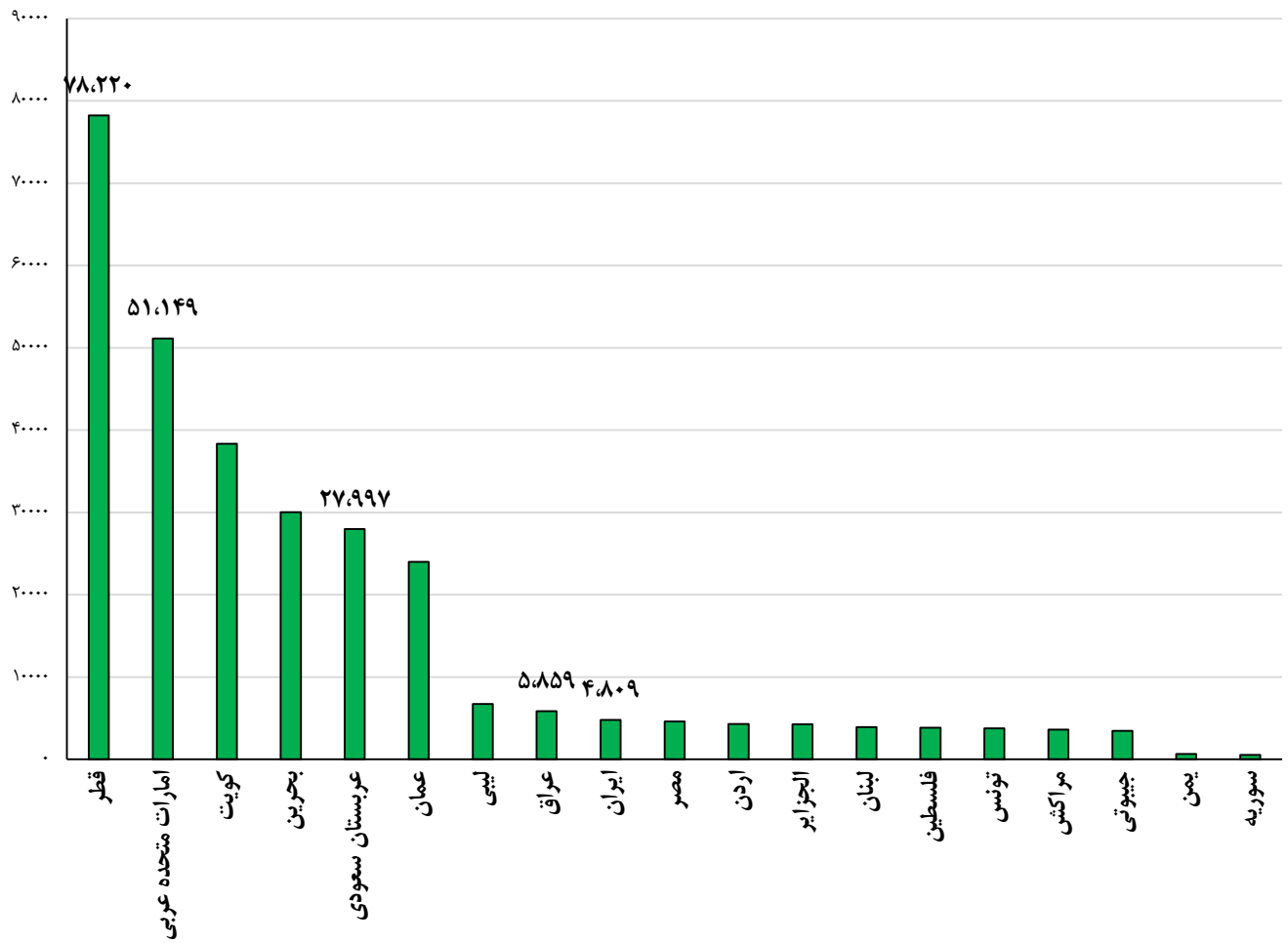
- بزرگترین اقتصاد منطقه منا، اقتصاد عربستان سعودی با تولید ناخالص داخلی (GDP) ۱۰۱۹ میلیارد دلار، است. در رده دوم اقتصاد امارات متحده عربی با تولید حدود ۴۸۶ میلیارد دلار (معادل ۴۸ درصد عربستان سعودی) و در رتبه سوم اقتصاد مصر با تولید حدود ۴۷۷ میلیارد دلار قرار دارد.

- اقتصاد ایران چهارمین اقتصاد بزرگ منطقه منا با رقم تولید ناخالص داخلی حدود ۴۰۷ میلیارد دلار است. رتبه پنجم و ششم تولید ناخالص داخلی در میان اقتصادهای منطقه منا به ترتیب به اقتصادهای عراق و قطر با ارقام ۲۴۷ میلیارد دلار و ۲۲۵ میلیارد دلار اختصاص دارد. تولید سایر اقتصادهای منطقه منا در سطح کمتر از ۲۰۰ میلیارد دلار بوده که کمترین مربوط به اقتصاد جیبوتی و سوریه با ارقامی به ترتیب ۱۲.۴ میلیارد دلار و ۳.۵ میلیارد دلار است.

- بررسی روند تغییرات تولید ناخالص داخلی اقتصادهای منطقه منا نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۷ ایران با تولید ۸۰.۶ میلیارد دلار رتبه نخست را در بین اقتصادهای این منطقه دارا بوده و اقتصاد عربستان سعودی با تولید ۷۴.۲ میلیارد دلار در رتبه دوم قرار داشته است. بعد از بروز نوساناتی و تقریباً روند صعودی مشابه رشد تولید در هر دو اقتصاد مزبور در سالهای بعد، از سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۰) هم زمان با اعمال تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران و تشدید آن در سالهای بعد، روند رشد تولید در دو اقتصاد واگرا شده و شکاف میان تولید ناخالص داخلی آنها رو به افزایش می‌گذارد تا اینکه در سال ۲۰۲۲ به حدود ۶۱۲ میلیارد دلار می‌رسد.

تولید ناخالص داخلی سرانه

تولید ناخالص داخلی سرانه - دلار



- یکی از متغیرهای اقتصادی مشخص کننده وضعیت رفاه نسبی جوامع و سطح استانداردهای زندگی، سرانه تولید ناخالص داخلی است که از تقسیم تولید بر جمعیت کشورها به دست می آید. در میان اقتصادهای منطقه منا دو عامل میزان دسترسی به منابع سوخت های فسیلی و میزان رشد جمعیت در تغییرات سرانه تولید ناخالص داخلی آنها موثر است. بدیهی است اقتصادهایی که از منابع درآمدهای صادراتی نفتی بالا و جمعیت نسبتا کمی برخوردارند، سرانه تولید بالاتری نیز در مقایسه با بقیه کشورهای منطقه دارند.

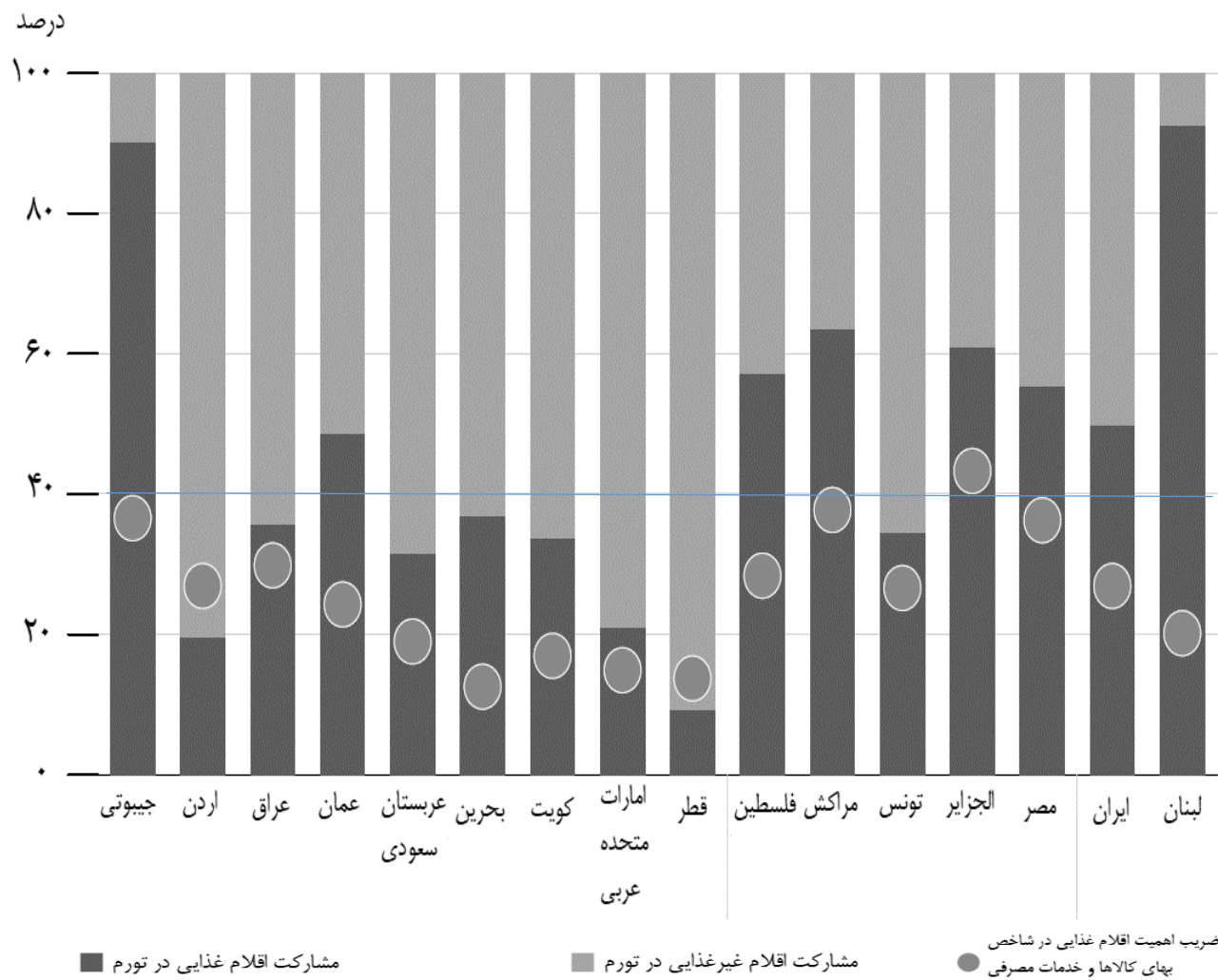
- در سال ۲۰۲۲ بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی متعلق به اقتصاد قطر با رقم حدود ۷۸۲۲۰ دلار بوده که از رقم متناظر با اقتصاد بزرگ امریکا (حدود ۷۶ هزار دلار) هم بالاتر است. کشورهای امارات متحده عربی، کویت، بحرین و عربستان سعودی در رده دوم الی پنجم بالاترین سرانه تولید در میان اقتصادهای منا قرار می گیرند.

- سرانه تولید ناخالص داخلی برای اقتصاد ایران حدود ۴۸۰۹ دلار است که اقتصاد عراق با حدود هزار دلار فاصله، در موقعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارد.

- بالاترین رشد سرانه تولید ناخالص داخلی طی بازه زمانی ۱۹۷۷ تا ۲۰۲۲ متعلق به اقتصاد قطر بوده که تقریبا ۴.۹ برابر شده است. سرانه تولید عراق و ایران نیز طی بازه زمانی مزبور به ترتیب ۳.۷ و ۲.۱ برابر شده است.



مشارکت کالاهای غذایی و غیر غذایی در تورم سال ۲۰۲۲ اقتصادهای منطقه منا - درصد



- تورم بالا پدیده‌ای واپس‌گرا و پسرقت‌کننده در اقتصاد کشورها به خصوص در زمان افزایش بهای انرژی و مواد غذایی محسوب می‌شود و بروز تورم بالا هرچند به صورت موقتی، می‌تواند آثار بلندمدتی بر افزایش عدم امنیت غذایی جامعه و آسیب‌های بلندمدت و برگشت‌ناپذیری به ویژه بر کودکان داشته باشد. بر اساس برآورد بانک جهانی افزایش هریک درصدی بهای مواد خوراکی موجب فقیرشدن نیم میلیون نفر از مردم منطقه منا می‌شود. تعمیم این برآورد به پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین و افزایش تورم در منطقه منا، احتمال فقیرشدن حدود ۲۰ میلیون نفر از مردم در منطقه را در دوران مزبور نتیجه می‌دهد.

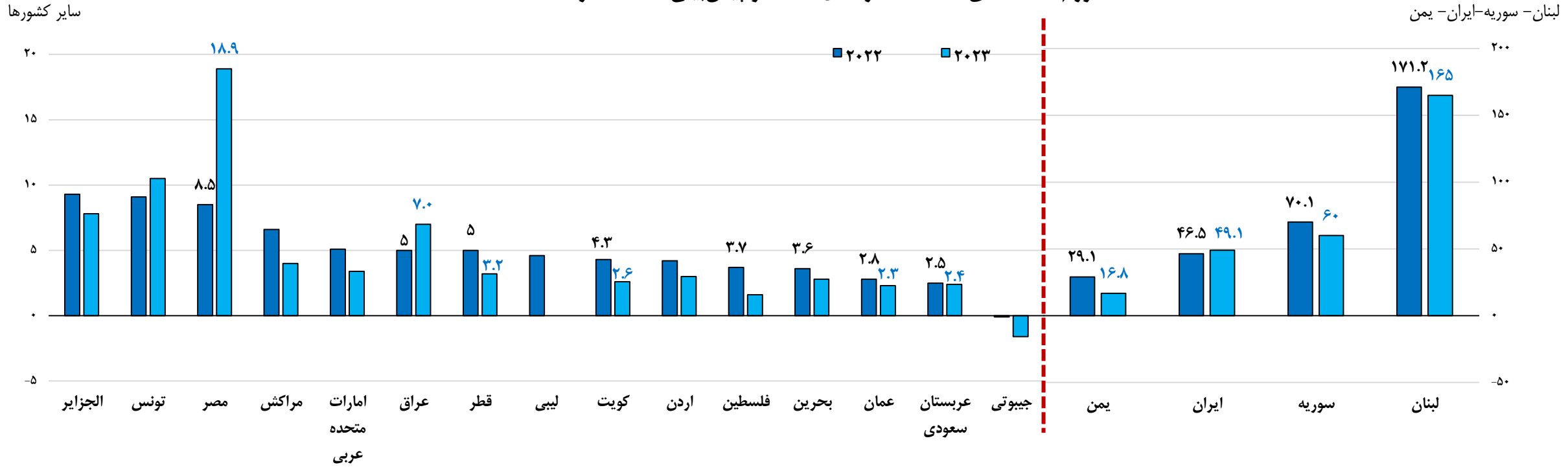
- تورم جهان در سال ۲۰۲۲ به دلایل گوناگونی از جمله تهاجم روسیه به اوکراین و اختلالات در زنجیره تامین و تجارت افزایش یافت که رشد شاخص بهای گروه اقلام غذایی و انرژی دو عامل محرک اصلی رشد مزبور بودند. منشا افزایش تورم در اقتصادهای منطقه منا در گروه اقتصادهای واردکننده و صادرکننده نفت متفاوت بود. در گروه صادرکنندگان افزایش مواد خوراکی محرک اصلی و در گروه واردکنندگان نفت افزایش توام بهای انرژی و مواد خوراکی، عوامل اصلی اثرگذار بر افزایش تورم بودند. در سال ۲۰۲۲ در اکثر کشورهای منطقه منا تورم مواد خوراکی به مراتب بیشتر از تورم کل بود و با وجود متوسط ضریب اهمیت ۲۵ درصدی کالاهای غذایی در شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی منطقه منا، در اغلب کشورهای منطقه اقلام غذایی مشارکت ۵۰ درصدی و یا بیشتر را در تورم کل دارا بودند.



تورم / ۲

در سال ۲۰۲۲ بالاترین تورم منطقه منا مربوط به اقتصاد لبنان - جزو گروه اقتصادهای واردکننده نفت - با رقم ۱۷۱ درصد بود که پیش‌بینی می‌شود این کشور در سال ۲۰۲۳ نیز همچنان تورم بالایی داشته باشد. بعد از لبنان اقتصادهای سوریه و ایران با تورم ۷۰ و ۴۶.۵ درصدی قرار دارند. کمترین تورم در منطقه منا نیز متعلق به اقتصاد جیبوتی با نرخ منفی ۰.۱ درصد است. در میان ۱۹ اقتصاد منطقه منا، در سال ۲۰۲۲ فقط چهار کشور لبنان، سوریه، ایران و یمن تورم دورقمی داشتند و مابقی اقتصادهای منطقه، تورم کمتر از ده درصد را در این سال تجربه کردند. انتظار می‌رود که از شدت تورم در اکثر اقتصادهای منطقه منا در سال ۲۰۲۳ کاسته شود و پیش‌بینی می‌شود فقط سه اقتصاد ایران، مصر و عراق با افزایش مجدد تورم در این سال مواجه شوند.

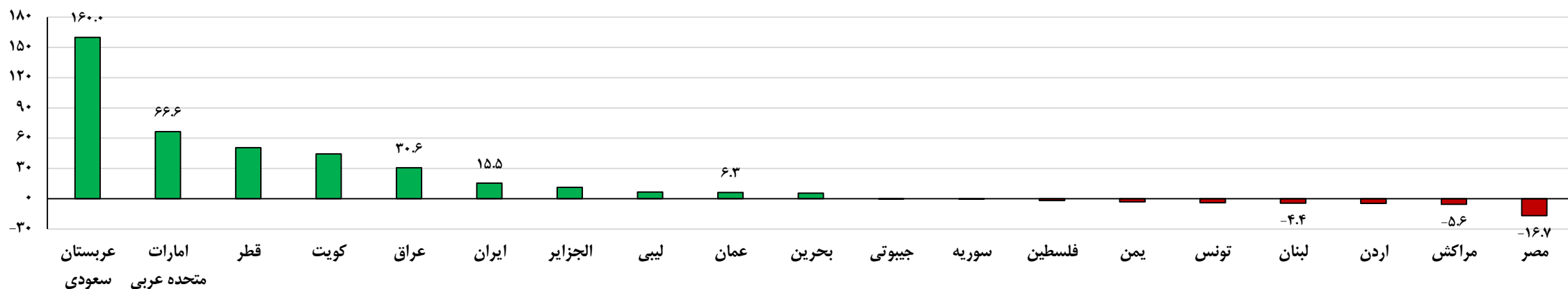
تورم اقتصادهای منطقه منا در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی ۲۰۲۳ - درصد



تراز حساب جاری

- افزایش ۴۰.۵ درصدی بهای نفت خام و ۱۱۵ درصدی بهای گاز طبیعی در بازار انرژی جهان در سال ۲۰۲۲ به دلیل اختلالات ایجادشده در بازار انرژی ناشی از تهاجم روسیه به اوکراین و تحریم روسیه، درآمدهای صادراتی قابل توجهی را نصیب اقتصادهای صادرکننده نفت و گاز طبیعی منطقه منا کرد به نحوی که افزایش درآمدهای نفتی موجب شد تراز حساب جاری برخی کشورها به سطوح بالای جدیدی برسند.
- در میان ۱۹ اقتصاد منطقه منا، تعداد ۹ اقتصاد دارای مازاد تراز حساب جاری و ۱۰ اقتصاد (عمدتا کشورهای واردکننده نفت) دارای کسری تراز حساب جاری در سال ۲۰۲۲ بودند. در این سال بالاترین حساب جاری در میان اقتصادهای مزبور متعلق به کشور عربستان سعودی با رقم ۱۶۰ میلیارد دلار معادل ۱۵.۷ درصد تولید ناخالص داخلی این اقتصاد است. با فاصله حدود ۱۰۰ میلیارد دلار، کشور امارات متحده عربی با حساب جاری نزدیک به ۶۷ میلیارد دلار (۱۳.۷ درصد تولید ناخالص داخلی) و در رده سوم اقتصاد قطر با رقم حدود ۵۱ میلیارد دلار (۲۲.۵ درصد تولید ناخالص داخلی) قرار دارند. تراز حساب جاری ایران ۱۵.۵ میلیارد دلار معادل ۳.۸ درصد تولید ناخالص داخلی آن برآورد شده که اگرچه ششمین کشور منطقه با بالاترین تراز حساب جاری محسوب می‌شود ولی از لحاظ نسبت به اندازه اقتصاد، موفقیت کمتری نسبت به سایر اقتصادهای صادرکننده نفت و یا گاز طبیعی در کسب درآمدهای نفتی (و غیرنفتی) داشته است. بالاترین کسری حساب جاری در سال ۲۰۲۲ متعلق به اقتصاد مصر با رقمی حدود ۱۷ میلیارد دلار است که یکی از دلایل کسری تراز حساب جاری در این اقتصاد و سایر اقتصادهای واردکننده نفت مشابه مانند مراکش را می‌توان به افزایش بهای کالاها و سوخت وارداتی نسبت داد.

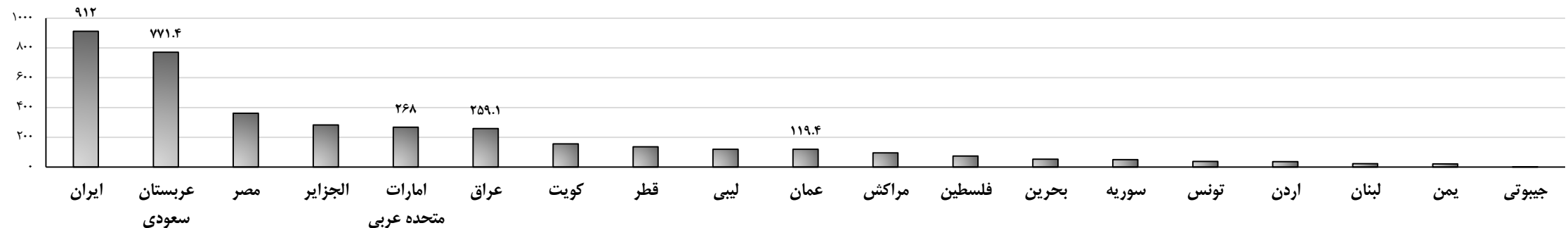
تراز حساب جاری در سال ۲۰۲۲ - میلیارد دلار



انتشار کربن

- تغییرات اقلیمی یکی از مهمترین دغدغه‌های نهادهای بین‌المللی و اقتصادهای جهان در سال ۲۰۲۳ و سال‌های بعد از آن عنوان شده است و یکی از مناطقی که تغییرات اقلیمی و آب و هوایی را طی سالهای اخیر تجربه کرده و احتمال بالایی هم برای بروز بلایای طبیعی طی سالهای پیش رو برای آن متصور است، منطقه منا می‌باشد. کاهش تولید کربن در راستای واکنش به تغییرات مزبور و مهار آن یکی از سیاست‌هایی است که در سطح جهان و سطوح ملی مورد توجه اقتصادها قرار گرفته و برنامه‌ریزی‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است.
- در سال ۲۰۲۲ بالاترین میزان کربن در قالب انتشار گازهای گلخانه‌ای در میان اقتصادهای منا، توسط کشور ایران با حدود ۹۱۲ میلیون تن و با سهم حدود ۲.۵ درصدی از جهان و سهم ۲۴ درصدی در منطقه، منتشر شده است. عربستان سعودی با انتشار ۷۷۱ میلیون تن گاز دی‌اکسید کربن در رتبه دوم و مصر با انتشار حدود ۳۶۲ میلیون تن از این گاز در رتبه سوم در بین اقتصادهای منطقه منا قرار دارد.
- یکی از شاخص‌هایی که میزان تولید گازهای گلخانه‌ای را بر حسب اندازه اقتصادها می‌سنجد، شدت تولید کربن یعنی نسبت انتشار کربن به تولید ناخالص داخلی است. بالاترین شدت کربن در منطقه منا متعلق به کشورهای سوریه (۴.۱ میلیون تن کربن به ازای هر میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی)، فلسطین (۳.۴)، لیبی (۲.۶) و ایران (۲.۲) است. این نسبت برای کشور عربستان سعودی حدود ۰.۷۶ است. مقایسه شدت تولید کربن دو اقتصاد ایران و عربستان سعودی نشان می‌دهد که شدت تولید کربن در ایران به مراتب بالاتر از عربستان سعودی و تقریباً ۳ برابر است. کمترین شدت تولید کربن در منطقه منا مربوط به اقتصادهای جیبوتی (۰.۴ میلیون تن کربن به ازای هر میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی) و امارات متحده عربی (۰.۵۵) است.

انتشار گاز دی‌اکسید کربن در سال ۲۰۲۲ - میلیون تن



تحولات پتانسیل رشد در منطقه منا/ ۱

- پتانسیل رشد تولید ناخالص داخلی در منطقه خاورمیانه و افریقای شمالی طی دهه ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۰ نصف شد که علت آن کندشدن تشکیل سرمایه، تضعیف رشد بهره‌وری کل عوامل تولید (به ویژه در اقتصادهای مبتنی بر بخش‌های استخراجی و عمومی بزرگ) و افت مشارکت رشد نیروی کار بوده است. انتظار می‌رود که پتانسیل رشد در این منطقه همچنان کم باقی بماند ضمن آنکه افت بیشتری در مشارکت نیروی کار در پتانسیل رشد نیز روی خواهد داد. طی دو دهه گذشته رشد تولید ناخالص داخلی در منطقه منا یکسان نبوده است. رشد در طول دهه ۲۰۰۰ نسبتاً سریع بود که با افزایش قیمت نفت پشتیبانی می‌شد اما در دهه ۲۰۱۰ رشد عمدتاً به دلیل تأثیرات آشفتگی‌ها و تنش‌های سیاسی، به ویژه انقلاب‌های بهار عربی ۲۰۱۱ در مصر، تونس، لیبی و یمن؛ درگیری‌های نظامی در عراق و سوریه؛ جنگ با داعش؛ سقوط قیمت نفت طی سالهای ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶ و اثرات همه‌گیری کووید در پایان دوره، کاهش یافت. در سال ۲۰۲۲، رشد اقتصادی منطقه منا بیش از همه از تهاجم روسیه به اوکراین و پیامدهای آن آسیب دید.
- در طول دهه ۲۰۲۰، انتظار می‌رود رشد بالقوه تولید در منطقه منا همچنان ضعیف باقی بماند و ۲.۵ درصد در سال باشد، که فقط کمی بالاتر از میانگین سالانه ۲.۴ درصدی آن در دهه ۲۰۱۰ است. همچنین پیش‌بینی می‌شود رشد بالقوه سرانه تولید از ۰.۸ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱.۳ درصد افزایش یابد که عمدتاً نشان‌دهنده بهبود اندک در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید است.
- معکوس کردن روند کندشدن سرعت رشد نیاز به انجام اصلاحات فوری با تأکید بر تحریک رشد به رهبری بخش خصوصی و تنوع‌بخشی به اقتصاد دارد. بیشتر رشد منطقه از دهه ۱۹۷۰ به بعد به جای بهره‌وری به رشد اشتغال و همچنین گسترش بخش‌های عمومی متکی بوده است. این امر منطقه را با چالش‌های ساختاری متعددی از جمله شکاف‌های جنسیتی بزرگ در نیروی کار و پیشرفت تحصیلی، تنوع اقتصادی محدود، دخالت بیش از حد دولت در فعالیت‌ها، درگیری‌ها و تنش‌های مسلحانه، حکمرانی ضعیف و بی‌ثباتی اقتصاد کلان مواجه کرده است. اقدامات سیاستی برای رسیدگی به این چالش‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی پتانسیل رشد بالقوه و واقعی تولید را تقویت کند.



تحولات پتانسیل رشد در منطقه منا/ ۲

- سرمایه‌گذاری را می‌توان با اولویت‌بندی مجدد هزینه‌های عمومی، اطمینان‌یابی از گذار سبز و در عین حال کاهش اثرات تغییرات اقلیمی و توانمندسازی و تشویق بخش خصوصی افزایش داد. انباشت سرمایه انسانی از طریق افزایش دسترسی به آموزش و کار برای زنان و طبقات آسیب‌پذیر، بهبود مهارت‌های نیروی کار، ارتقاء نظام سلامت و معکوس کردن روند افت درآمد ناشی از همه‌گیری، قابل تقویت است.
- پیش‌بینی رشد بالقوه در منطقه منا دشوار است. مشارکت نسبتاً پایین نیروی کار زنان منطقه و سهم فوق‌العاده بالای جوانان در جمعیت (افراد با سن کمتر از ۲۵ سال، یک سوم جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند) نشان‌دهنده وجود گروه بزرگی از تازه‌واردان بالقوه به بازار کار و مصرف است. این به نوبه خود می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای بازده سرمایه‌گذاری و نوآوری را نیز افزایش دهد، اما تحقق این امر بستگی به این دارد که بخش خصوصی به اندازه کافی پر جنب و جوش باشد و بتواند از نیروی کار تحصیل کرده در بازارهای کار انعطاف‌پذیر استفاده کند.
- با این وجود، ریسک پیش‌بینی پایه رشد بالقوه، عمدتاً به سمت نزولی باقی می‌ماند. در حالی که جنگ در اوکراین درآمدهای بادآورده عظیمی را برای صادرکنندگان نفت به همراه داشته است، منافع درازمدت این درآمد بادآورده بستگی به این دارد که آیا از این منابع برای تامین مالی اصلاحات و تنوع بخشیدن به اقتصادها استفاده خواهد شد یا خیر.
- برای اقتصادهای واردکننده نفت در منطقه، جنگ در اوکراین ممکن است چشم‌اندازهای رشد بلندمدت را با افزایش خطر ناآرامی و درگیری اجتماعی، مقابله با منافع سرمایه انسانی از طریق سوء‌تغذیه و افزایش فقر، افزایش احتمال بروز بحران مالی و تراز پرداخت‌ها تضعیف کند. به طور گسترده‌تر، همه‌گیری می‌تواند شبکه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی را نیز متلاشی تجزیه کند، عدم اطمینان جهانی را افزایش و به صورت مداوم هزینه‌های استقرای را افزایش دهد و در نتیجه چشم‌انداز سرمایه‌گذاری را محدود کند. باید یادآوری کرد که بیماری همه‌گیر کووید همچنان یک خطر مداوم محسوب می‌شود و در صورت ظاهر شدن انواع جدیدی که به طور قابل توجهی فعالیت را مختل می‌کند و عدم اطمینان را افزایش می‌دهد، می‌تواند سرمایه انسانی را بیشتر نابود، و سرمایه گذاری را نیز تضعیف کند.

اصلاحات انجام شده در برخی اقتصادها / ۱

چشم انداز رشد بالقوه با پیشرفت اخیر در اصلاحات ساختاری، به ویژه در اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس، شامل افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، بهبود محیط کسب و کار، و تنوع بخشیدن به اقتصاد کشورهای وابسته به کالاهای اساسی، بهبود یافته است. با این حال، در خارج از اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس، شتاب اصلاحات در سطحی ضعیف باقی مانده است.

- در **عربستان سعودی**، افزایش مشارکت زنان در بازار کار و انجام اصلاحات در قالب برنامه حمایت مالی کافلا برای نیروهای کار خارجی، پایه‌ای قوی برای بهبود پتانسیل رشد بهره‌وری، به ویژه از طریق بهبود تطابق مهارت‌ها و انتشار دانش و تخصص جدید، ایجاد کرده است. در این کشور مشارکت زنان در نیروی کار از ۱۸.۷ درصد در فصل دوم سال ۲۰۱۷ به ۳۳.۴ درصد در فصل اول سال ۲۰۲۲ - معادل ۳۵۰ هزار نفر زن - افزایش یافت. استراتژی سرمایه‌گذاری ملی عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ تصویب شد که هدف آن گسترش نقش بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. دولت همچنین اصلاحاتی را برای بهبود مقررات و نظارت بر موسسات مالی (مانند قانون حل و فصل موسسات مالی و قانون تقویت مبارزه با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم)، و مدیریت بهینه نقدینگی در بازارهای بدهی و سهام انجام داده است. عربستان سعودی همچنین مالیات بر ارزش افزوده را برای تقویت تنوع بخشی به اقتصاد خود و بهبود بسیج درآمدها در قالب اجرای بخشی از یک طرح گسترده‌تر شورای همکاری خلیج فارس (در کشورهای بحرین، عمان و امارات متحده عربی) نیز معرفی کرده است. گسترش پایه‌های مالیاتی می‌تواند به تضمین پایداری مالی کمک، از چرخه‌ای شدن سیاست‌های مالی جلوگیری و منابع لازم برای سرمایه‌گذاری مولد رشد بهره‌وری را افزایش دهد.

- **امارات متحده عربی** نیز اقداماتی را برای تشویق حضور بیشتر زنان در نیروی کار، تقویت ترتیبات کاری برای مهاجران خارجی و بهبود محیط کسب و کار به طور گسترده انجام داده است. در پی اصلاحات مزبور، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار طی پنج سال منتهی به ۲۰۲۰، حدود ۵ واحد درصد افزایش یافت و به ۶۶ درصد رسید. دولت امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۱ قانون کار جدیدی را تصویب کرد که قراردادهای کاری را استاندارد و ساعات کاری را محدود می‌کند و تعطیلات آخر هفته را با شرکای تجاری کلیدی همسو می‌کند. برای تنوع بخشیدن به اقتصاد نیز، اخیراً مالیات بر درآمد شرکتی و مالیات بر ارزش افزوده با نرخ ۹ درصد را معرفی کرده است. برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی، قانون تجاری جدید اجازه مالکیت کامل خارجی بر شرکت‌ها را مصوب و قانون حفاظت از علائق تجاری موجود را نیز بهبود داد. امارات در تنوع بخشیدن به اقتصاد خود پیشرفت کرده و به عنوان مثال در طول دهه منتهی به سال ۲۰۲۰، سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت از ۶۹ درصد به ۴۱ درصد کاهش یافته است.



اصلاحات انجام شده در برخی اقتصادها/۲

- در جمهوری عربی **مصر**، اجرای سیاست‌های ثبات بخشی به اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری از سال ۲۰۱۶ به بعد به افزایش بیش از ۱.۳ واحد درصدی رشد بالقوه در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال ۲۰۱۴، کمک کرده است. اقدامات مرتبط با تقویت ثبات کلان اقتصاد در این کشور شامل آزادسازی نرخ ارز و کاهش ارزش پوند (واحد پولی ملی این کشور) و انجام اقدامات مالی برای ثبات‌دهی به بدهی بخش عمومی، از جمله معرفی مالیات بر ارزش افزوده، کاهش یارانه‌های انرژی، و اقداماتی برای بسیج درآمدها و کاهش هزینه‌های بخش عمومی هستند. اصلاحات ساختاری در مصر نیز تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و ورشکستگی را هدف قرار داده و همچنین شامل اصلاحاتی در حوزه بازار کار با تمرکز بر زنان و جوانان است. در پاسخ به این اقدامات، همراه با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ بیکاری در این کشور به پایین‌ترین سطح خود طی دو دهه گذشته کاهش یافته است. اخیراً بخش خصوصی نیز از اصلاحات در حوزه مقررات و قوانین که به آن امکان می‌دهد در پروژه‌های زیرساختی، خدماتی و خدمات عمومی مشارکت کند، سود برده است.
- در **ایران**، در بودجه سال ۱۴۰۱ تلاش‌هایی برای محدود کردن یارانه واردات کالاهای اساسی، وضع مالیات بر بنزین و نفت و فروش دارایی‌های دولتی صورت گرفت. تغییرات قانونی در حوزه افزایش قدرت بانک مرکزی نیز تا حدودی در دستیابی به اهداف ثبات مالی کمک کرده است. اما اصلاحات ساختاری بیشتری برای رسیدگی به ناکارآمدی‌های گسترده، تثبیت هزینه‌های مالی و کاهش تورم و حذف انحرافات قابل توجه قیمتی مورد نیاز است. یارانه‌های ضمنی، عمدتاً در بخش انرژی، اخیراً بیش از ۴۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند.

گزینه‌های سیاستی برای افزایش رشد بالقوه/۱

این منطقه با موانع متعددی برای افزایش سرعت پتانسیل رشد مواجه است؛ از جمله وابستگی زیاد به تولید و صادرات کالاهای اساسی، حکمرانی ضعیف و استمرار بی‌ثباتی سیاسی، شکاف‌های جنسیتی گسترده در بازار کار، بخش‌های عمومی بزرگ و کم‌مولد، شکنندگی و درگیری، بحران‌های طولانی مدت بدهی در برخی از اقتصادها و خطر بروز بحران بدهی در برخی دیگر، خطر مجدد همه‌گیری کووید و تغییرات اقلیمی. یک چالش بزرگ برای منطقه منا، موانع ساختاری عمیق برای رشد به رهبری بخش خصوصی است. رفع و مقابله با موانع مزبور برای ایجاد مشاغل و بهبود اساسی در استانداردهای زندگی ضروری است. دستاوردهای اصلاحات می‌تواند قابل توجه باشد. بررسی تجارب کشورها نشان می‌دهد که اصلاحات در نظام‌های آموزشی و سلامت و بازار کار می‌تواند رشد بالقوه را افزایش دهد. تجزیه و تحلیل سناریوهای اعمال شده در این منطقه نشان می‌دهد که سیاست‌های بازار کار برای افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان در هر کشور با بزرگترین بهبود ۱۰ ساله در منطقه منا طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱، می‌تواند میانگین رشد بالقوه را ۰.۱ واحد درصد در سال طی سالهای باقی‌مانده این دهه افزایش دهد. این منطقه می‌تواند با سرمایه‌گذاری در سازگاری و مهارت‌تغییرات اقلیمی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، اصلاح بازار کار و مزایای اجتماعی، و با تقویت آموزش، نرخ رشد بالقوه خود را بیش از دو برابر کند. به دلیل افزایش تعداد اتفاقات اقلیمی، سیاست‌های مقابله با خطرات آب و هوایی حیاتی است. سیاست‌های متنوع‌سازی منابع صادراتی می‌تواند به کاهش وابستگی شدید آنها به سوخت‌های فسیلی برای کسب درآمد های دولت و صادرات کمک کند.

- گام‌های مشابه برای رفع شکاف‌ها در **سرمایه‌گذاری** نیز می‌تواند باعث افزایش بیش از ۰.۳ واحد درصدی رشد در سال شود. اگر اصلاحات قوی‌تر از پیشرفت‌های تاریخی در منطقه و یا نسبت به گروه اقتصادهای نوظهور در حال توسعه انجام شود، امکان کسب دستاوردهای بیشتری نیز وجود دارد. به عنوان مثال اگر مشارکت زنان در نیروی کار به تدریج طی سال‌های ۲۰۲۲-۳۰ برابر با میانگین نرخ رشد اقتصادهای نوظهور در حال توسعه افزایش یابد - از ۲۱ درصد به ۵۳ درصد - رشد بالقوه به میزان ۱.۲ واحد درصد در سال قابل افزایش خواهد بود.
- افزایش اخیر نرخ **مشارکت زنان در بازار کار** عربستان سعودی، از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۱، نشان داد که امکان افزایش قابل توجه طی میان مدت نیز وجود دارد. علاوه بر این، اگر منطقه منا سرمایه‌گذاری در زمینه سازگاری و مهارت‌تغییرات اقلیمی را به میزان ۱.۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال افزایش دهد، رشد بالقوه می‌تواند تا ۰.۱ واحد درصد در سال هم افزایش یابد.

گزینه‌های سیاستی برای افزایش رشد بالقوه/۲

- رشد بالقوه منطقه با بهبود **حکمرانی** نیز می‌تواند به طور قابل توجهی افزایش یابد. بررسی‌ها نشان داده است که حکمرانی ضعیف در این منطقه باعث حذف سرمایه‌گذاری خصوصی و جلوگیری از رشد بخش خصوصی می‌شود. بهبود حکمرانی در بخش آموزش، مانند اندازه‌گیری ساختاریافته‌تر نتایج برنامه‌های تحصیلی و آموزشی موجب تقویت تطابق مهارت‌ها بین نیروی کار و کارفرمایان شده و می‌تواند مشاغل بیشتر و با کیفیت بهتری را برای بخش خصوصی تامین کند. حکمرانی ضعیف همچنین در فساد گسترده که به عنوان یکی از محدودیت‌ها در نظرسنجی‌های بانک جهانی برای فعالیتهای کسب و کار در منطقه منا عنوان شده، منعکس می‌شود. فساد تمایل دارد تعاملات بین بنگاه‌های خصوصی و مقامات دولتی را تضعیف کند و اقتصادهای مبتلا به فساد بیشتر، از اشتغال و بهره‌وری کم‌تری نیز برخوردار هستند. تقویت چارچوب‌های قانونی، از جمله حوزه‌هایی مانند حکمرانی شرکتی و حل و فصل ورشکستگی، می‌تواند محدودیت‌های معاملات رسمی و قانونی بازار را کاهش دهد.
- اقتصادهای منطقه همچنان به شدت به تولید و صادرات کالاهای خام و اولیه وابسته هستند. **تنوع بخشی** به اقتصادهای وابسته به کشاورزی (مراکش) و اقتصادهای وابسته به نفت (اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس، ایران و عراق) اولویت اصلی برای افزایش ثبات اقتصادی و تقویت رشد بالقوه است. در میان اقتصادهای صادرکننده نفت، به طور میانگین درآمد نفت همچنان حدود یک سوم تولید، دو سوم صادرات کالایی و سه چهارم درآمد دولت‌ها را در سال ۲۰۱۹ تشکیل داده است. با دور شدن جهان از سوخت‌های فسیلی، شدت نفت در تولید جهانی حدود یک سوم طی دو دهه منتهی به سال ۲۰۱۹، کاهش یافت و این روند احتمالاً استمرار خواهد داشت. سیاست‌های ترویج تنوع بخشی به اقتصاد شامل اقداماتی از جمله موارد زیر است:
 - افزایش رقابت در بازارهای محصول، جلوگیری از تمرکز بازار و بازتخصیص منابع به فعالیتهای اقتصادی جدید؛
 - کاهش هزینه‌های تجاری، بهبود زیرساخت‌ها و لجستیک؛
 - منطقی‌سازی و کاهش یارانه‌های انرژی؛
 - آزادسازی تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

گزینه‌های سیاستی برای افزایش رشد بالقوه/۳

- توانایی برخی از اقتصادها برای معکوس کردن روند کندشدن رشد بالقوه به دلیل **بدهی بالای دولت‌ها** محدود شده است: بدهی عمومی گروه اقتصادهای واردکننده نفت در منطقه منا در سال ۲۰۲۱ بیش از ۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی آنها بود. بدهی بالا موجب دشوار شدن اجرای سیاست‌هایی مانند ضد چرخه‌ای شدن، افزایش سرمایه‌گذاری مولد (از جمله در سرمایه انسانی و فیزیکی) و افزایش اعتماد بخش خصوصی، می‌شود. اصلاحات سیاستی برای رسیدگی به بدهی‌های بالا، کاهش اثرات منفی آن بر فعالیتهای اقتصادی و کاهش احتمال وقوع بحران‌های مالی مورد نیاز است. اصلاحات مزبور می‌تواند مواردی مانند اجرای چارچوب‌های سالم و شفاف مدیریت بدهی، تضمین اجرای مقررات مالی و نظارت بر آنها، کنترل و نظارت بر بدهی پایدار در بخش‌های دولتی و خصوصی، و پیشرفت در اصلاحات حکمرانی برای به حداقل رساندن اتلاف و فساد را شامل شود.
- **تغییرات اقلیمی** و وقوع بلایای طبیعی - از جمله تشدید بروز موج گرما و سیل - که طی دهه‌های اخیر شایع‌تر نیز شده‌اند، اثرات مخربی بر زندگی و رفاه جوامع منطقه منا خواهد گذاشت. با گذشت زمان، افزایش دما باعث کاهش عملکرد بخش کشاورزی و سطوح زیرکشت محصولات این بخش می‌شود و کمبود آب قابل دسترس را نیز تشدید می‌کند. تضعیف امنیت غذایی، تحمیل مهاجرت اجباری، کاهش بهره‌وری نیروی کار و احتمال افزایش درگیری از دیگر پیامدهای تغییرات اقلیمی در منطقه خواهند بود. بر اساس برآورد انجام شده، چنانچه دما ۱.۵ تا ۲ درجه سانتی‌گراد نسبت به دوران قبل از صنعتی شدن افزایش یابد، بازده محصولات کشاورزی در منطقه منا ممکن است تا ۳۰ درصد کاهش یابد و افت مزبور در صورت افزایش ۳ الی ۴ درجه سانتی‌گراد به ۶۰ درصد هم خواهد رسید. مهار، انطباق، و تمرکز بر بهبود سبز و فراگیر در جهان، کلید تضمین رشد پایدار در آینده است. سیاست‌های محدود کردن تغییرات اقلیمی شامل قیمت‌گذاری مجدد سوخت‌های فسیلی، به عنوان مثال از طریق وضع مالیات کربن است. یارانه‌های بالای انرژی در منطقه که به طور متوسط ۱۳ درصد از هزینه‌های دولت را در سال ۲۰۲۱ تشکیل داده است، می‌تواند منطقی شود، کاهش یابد و با مخارج اجتماعی هدفمند جایگزین شود تا از این طریق از اقشار آسیب‌پذیر در برابر افزایش قیمت‌ها نیز محافظت شود. بسیاری از اقتصادهای منطقه به منظور حفاظت از سرمایه‌های انسانی و فیزیکی (کویت، عمان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی) برنامه‌هایی را برای سازگاری با تغییرات اقلیمی از جمله اقدامات مدیریت یکپارچه آب، استفاده از شیوه‌های کشاورزی پایدار، کاهش بیابان‌زایی و سیستم‌های هشدار اولیه بلایای طبیعی، تدوین کرده و یا در حال اجرای آنها هستند.

اصلاحات خاص کشوری

- طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاحی خاص هر کشور برای بهبود رشد بالقوه در منطقه نیز ضروری است. در **عربستان سعودی**، کدگذاری رویه‌های حقوقی گام مهمی در تقویت نظام حقوقی است. منطقی کردن دخالت دولت در اقتصاد، به عنوان مثال با خصوصی‌سازی دارایی‌های دولتی که عملکرد ضعیفی دارند نیز می‌تواند تخصیص سرمایه را بهبود بخشد و بخش خصوصی را توانمند کند. تنوع بخشی به اقتصاد و کاهش سهم سوخت‌های فسیلی نیز مهم است. در استمرار اقدامات قبلی، اصلاحات بازار کار برای افزایش بیشتر مشارکت زنان در نیروی کار باید همچنان مورد توجه قرار گیرد. قانونی برای افزایش دارایی‌های بخش دولتی به عنوان یک استراتژی موثر ضد فساد مورد نیاز است. اجرای کارآمد اصلاحات پیش‌بینی شده در چشم انداز ۲۰۳۰ همگی می‌توانند موجب بهبود وضعیت حکمرانی در عربستان سعودی شوند.
- اجرای کارآمد و موثر استراتژی ۲۰۵۰ **امارات متحده عربی**، از طریق انجام اصلاحات به ترتیب اولویت و با زمان‌بندی مناسب، و دستور کار سبز ۲۰۳۰ این اقتصاد به معکوس کردن روند نزولی رشد بالقوه آن کمک خواهد کرد. اصلاحات مزبور شامل تجاری‌سازی نهادهای غیراستراتژیک دولتی، سرمایه‌گذاری در تحصیل و آموزش در زمینه‌های نوظهوری که به تنوع بخشی به اقتصاد کمک می‌کنند، و ایجاد سازگاری و همسویی بیشتر بین قوانین کار ملی و خارجی و دستمزدهای دولتی و خصوصی، هستند.
- در **مصر**، اطمینانی از حفظ دستاوردهای قبلی انجام اصلاحات ساختاری و کلان اقتصادی وجود ندارد زیرا همچنان اصلاحات بیشتری برای رفع آسیب‌پذیری‌های مالی و خارجی و همچنین موانع ساختاری برای رشد لازم است. برای تقویت بیشتر ثبات اقتصاد کلان، اصلاحات می‌تواند با تمرکز بر بهبود شفافیت گزارش مالی و مدیریت بدهی، منطقی کردن طرح‌های تسهیلات یارانه‌ای بانک مرکزی این کشور و بهبود مدیریت نقدینگی برای افزایش گذار سیاست پولی انجام شود. در مورد سیاست‌های ساختاری، اصلاحات برای تقویت بیشتر بسیج درآمد (از جمله از طریق محدود کردن معافیت‌های مالیاتی و اصلاح مالیات بر املاک)، افزایش نقش بخش خصوصی از طریق منطقی‌سازی مالکیت دولتی، کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در حوزه تجارت و تقویت استقلال نهادهای رگولاتور نیز مورد نیاز است.
- در **ایران**، اصلاحات ساختاری برای رسیدگی به ناکارآمدی‌های گسترده، فقدان پایداری مالی و اختلال و اعوجاج قیمت‌ها به فوریت مورد نیاز است. اقدامات بیشتری نیز برای افزایش درآمد دولت - حذف معافیت‌ها و بهبود انطباق در حوزه مالیات - و ثبات بخشی به هزینه‌های دولت با تمرکز ویژه بر اصلاح یارانه‌ها که می‌تواند به کاهش شدت بالای مصرف انرژی نیز کمک کند، ضرورت دارد. اصلاحاتی در رابطه با تنظیم چارچوب سیاست پولی - دستور ثبات قیمت‌ها، استقلال بیشتر بانک مرکزی، منطقی‌سازی پرداخت تسهیلات، و تقویت قدرت نظارتی و حل و فصل قوی‌تر - ثبات بخش مالی و اقتصاد کلان را در این اقتصاد بهبود خواهند داد.